

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)
سال سی و سه، دوره جدید، شماره ۵۷، پیاپی ۱۴۷، بهار ۱۴۰۲
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۹۰-۵۹

ارزیابی عملکرد پارلمانی نمایندگان بوشهر در چالش میان حقوق مردم و قدرت حاکمیت پهلوی مطالعه موردی: علی دشتی و احمد اخگر^۱

فروغ بحرینی^۲
سیمین فصیحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

چکیده

با در نظر گرفتن شاخصه‌های حکومت پهلوی، نوعی تضاد و تعارض و چالش میان ماهیت قدرت حاکمیت با حقوق ملت در قانون اساسی شکل می‌گیرد که در این چالش نقش و عملکرد نمایندگان به‌عنوان واسطه مردم با قدرت حاکمیت در مجلس شورای ملی اهمیت می‌یابد. این پژوهش با رویکردی مقایسه‌ای - تحلیلی عملکرد علی دشتی و احمد اخگر، دو نماینده صاحب‌نام منتخب حوزه بوشهر را در چالش میان دو متغیر قدرت حاکمیت و حقوق مردم ارزیابی می‌کند و باتوجه به خاستگاه اجتماعی و مواضع سیاسی آنان از طریق تحلیل محتوای آراء، مذاکرات و نطق‌های آنان در مجلس شورای ملی روشن می‌کند که این دو نماینده در عمل به وظایف خویش در بستر این چالش چه نقشی ایفا کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که نظام حکومت پهلوی به‌گونه‌ای بر ساختار مجالس شورای ملی تأثیر گذاشت که نمایندگان منتخب را در تنگنای دو اهرم قدرت حاکمه و حقوق مردم قرار داده و علی‌رغم پایگاه اجتماعی تقریباً مشابه این دو نماینده، مواضع سیاسی متفاوت و به تبع آن عملکرد متفاوتی برای آنان در نظام پارلمانی رقم زده است. تحلیل محتوای برخی اسناد، نطق‌ها و مذاکرات

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.41095.2691

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1402.33.57.3.2

۲. دانشجوی دکتری دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران. f.bahraini@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

fasihi@alzahra.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «عملکرد نمایندگان بوشهر در مجلس شورای ملی در چالش میان قدرت حکومت و حقوق مردم (۱۳۵۷-۱۲۸۵ ه ش» در دانشگاه الزهرا(س) در سال ۱۴۰۲ است.

آن‌ها در جلسات مجلس، با وجود برخی وجوه مشابه در درصد توجه به حقوق مردم و فعالیت‌های این دو نماینده، حاکی از سه نتیجه متفاوت در عملکردشان است: ۱. نسبت تعداد نطق‌ها به دفعات حضور در ادوار مختلف به‌عنوان نماینده بوشهر متفاوت است، ۲. درصدی از گزاره‌های به‌دست‌آمده از نطق‌های علی دشتی در راستای تحقق اهداف حکومت است، درحالی‌که نطقی در این خصوص از اخگر ثبت نشده است، ۳. انضباط پارلمانی متفاوت دو نماینده که نهایتاً این نتایج یکی را با چهره و کارنامه پارلمانی به‌دور از حاشیه و نزدیک‌تر به مردم معرفی می‌کند و کارنامه دیگری را با نوعی دوگانگی در اندیشه و عمل نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قدرت حاکمیت، حقوق مردم، علی دشتی، احمد اخگر، مجالس شورای

ملی.

مقدمه

از مجلس پنجم شورای ملی، عمر مجالس شورای ملی تا دوره دوازدهم به آرامش و سکون گذشت. با خروج رضاشاه از کشور در سال ۱۳۲۰ شمسی و شرایط بحرانی داخلی از جمله تضعیف نقش شاه در رأس هرم قدرت سیاست‌مداران ایران برای پیگیری اهداف خود به‌ویژه در مجلس شورای ملی آزادی و اقتدار نسبی به دست آوردند. در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مجلس همین اقتدار نیم‌بند خود را از دست داد و بار دیگر به یکی از مجاری اعمال قدرت شاه بدل شد. با در نظر گرفتن شاخصه‌های حکومت رضاشاه و محمدرضا شاه، نوعی تعارض و چالش میان ماهیت قدرت حاکمیت با حقوق ملت در قانون اساسی شکل می‌گیرد که نقش و عملکرد نمایندگان به‌عنوان واسطه مردم با قدرت حاکمیت را در این چالش مهم و قابل بررسی می‌کند.

در میان بیش از بیست نماینده‌ای که به‌عنوان وکلای منتخب حوزه بوشهر وارد ادوار مختلف مجالس شورای ملی شدند، در این پژوهش عملکرد پارلمانی دو نماینده سرشناس که تا حدودی دارای خاستگاه سیاسی-اجتماعی مشابهی بودند، ارزیابی شد. مسئله اصلی پژوهش این است که دو نماینده بوشهر در عمل به وظایف خویش در میانه این چالش چه نقشی ایفا کردند. پاسخ به این پرسش از مسیر توجه به وظایف نمایندگان در قبال موکلین خویش، تمرکز بر ویژگی‌های نظام سیاسی و نهایتاً خاستگاه اجتماعی و مواضع سیاسی آنان که تعیین‌کننده ویژگی و تیپ شخصیتی آنان است، صورت می‌گیرد تا نشان داده شود که در چنان شرایطی و در چنین بستر متعارضی این دو نماینده چگونه به حقوق مردم وفادار بوده و چگونه به نفع قدرت حاکمیت تلاش کرده‌اند.

در خصوص زندگی، اندیشه و عملکرد سیاسی و پارلمانی این دو نماینده مقالاتی به صورت مجزا نوشته شده، به ویژه در خصوص آرا و آثار دشتی تحقیقات بیشتری صورت گرفته است؛ از جمله «زندگی و زمانه دشتی» به قلم عبدالله شهبازی که ابعاد ادبی و سیاسی زندگی و تفکر وی را بررسی کرده و «اندیشه و عملکرد سیاسی علی دشتی در مجالس شورای ملی» نوشته مشترک علی اکبر جعفری و فروغ بحرینی به افکار و فعالیت‌های پارلمانی وی توجه کرده است.

همین‌طور درباره زندگی احمد اخگر مقاله محسن روستایی با عنوان «سرهنگ احمد اخگر» و مقاله دیگری با عنوان «زندگی، اندیشه و عملکرد احمد اخگر» زندگی، افکار و فعالیت‌های احمد اخگر را کاویده است، اما هیچ‌یک از این بررسی‌ها ناظر به چالش میان قدرت حاکمیت و حقوق مردم و با تمرکز بر نطق‌ها و مذاکرات مجالس نبوده و اندیشه و عمل آن‌ها با رویکردی مقایسه‌ای صورت نگرفته است.

شاخصه‌های نظام حاکمیت و بستر سیاسی تأثیرگذار بر عملکرد نمایندگان

این مسئله که جایگاه حاکمیت کجاست و منظور از قدرت حاکمیت یا به اصطلاح حکومت چیست، در علم سیاست بسیار بحث‌برانگیز است؛ حاکمیت، اقتدار قانونی یا مشروع و گاه نیز بر حسب «قدرت» تعریف می‌شود. برخی نظریه‌پردازان سخن از مفهوم «حاکمیت سیاسی» به میان می‌آورند که از حاکمیت قانونی متمایز است. استدلال طرح شده پیرامون حاکمیت سیاسی سعی در نشان دادن این امر دارد که حاکمیت باید به مثابه برتری قدرت اجبارکنندگی در جهت مقاصد سیاسی تعریف شود (دی رافائل، ۱۳۷۸: ۱۱۵ - ۱۱۳). در این پژوهش منظور از قدرت حاکمیت، همان قدرت سیاسی شاهان وقت و نخست‌وزیران مدنظرشان و اعمال آن قدرت با ابزار مجلس بر جامعه است.

در نظام مشروطه قانون اساسی، قدرت برتر تنواره سیاسی است و حکم و فرمان هیچ فردی این قدرت را ندارد که تغییری در قانون‌گذاری نمایندگان منتخب مردم ایجاد کند، جان لاک در خصوص وضع و تصویب قوانین، به خطر لغزش دست‌اندرکاران قدرت اشاره دارد و معتقد است مسئله ضعف انسان در برابر وسوسه زیادخواهی قدرت موضوعیت می‌یابد. در چنین حالتی ممکن است حاکم و قانون‌گذار خود را از قانونی که وضع کرده مستثنی بدانند و قانون را چه در مرحله وضع و تصویب و چه در مرحله اجرا متناسب با خواسته‌های شخصی و متفاوت از خواسته دیگر اعضای جامعه تدوین کند (لاک، ۱۳۹۲: ۱۹۴ - ۱۹۳). حال چنانچه حاکم وقت با کمک قانون‌گذاران و نمایندگان منتخب مردم سعی در تغییر قوانین به نفع

خویش داشته باشد، تعریف «دیکتاتور» برای وی صدق می‌کند. روسو نیز مانند جان لاک معتقد است در حکومت دیکتاتوری و اشرافی بسیار کم اتفاق می‌افتد که مردم، افراد گرد حاکم، پاک‌دامن و فداکار باشند. حتی بر فرض اینکه آن مردم در دوره کودکی خوب تربیت شوند، اما در جامعه دیکتاتوری خیلی زود فاسد می‌شوند و تملق و ربا و فساد که لایه حکومت‌های دیکتاتوری است، روح مردم را تباه می‌کند (رحیمی، ۱۳۵۷: ۱۰۳).

دولت، کابینه وزرا مجلس شورای ملی و احزاب سیاسی، پاره‌ای از بدنه حکومت دیکتاتوری محسوب می‌شوند یا دموکراسی؟ پاسخ این پرسش بسته به مقتضیات زمانی و میزان نفوذ و اعمال قدرت حکومت است که گاهی اوقات این موارد به‌عنوان ابزار و وسیله‌ای سیاسی در دست قدرت و حکومت حاکمان وقت، در یک ماهیت دیکتاتورانه، قرار می‌گیرد و گاهی اوقات نیز از بدنه حکومت جدا می‌شود و خود را به شکل ابزار تحقق دموکراسی نمایان می‌کند و با داشتن تشکیلات و برنامه منظم و با یاری مردم می‌کوشد قدرت ملت را جلوه‌گر کند (دوورژه، ۱۳۵۸: ۲۹۱-۳). فکر تغییر سلطنت و تلاش رضاخان در آماده‌سازی زمینه‌های دیکتاتوری، فصل جدیدی را در تاریخ مجلس و مشروطه رقم زد.

رضاشاه خود گفته بود که «هر مملکتی رژیم دارد و رژیم ما یک‌نفره است» (هدایت، ۱۳۴۴: ۳۸۶). در دوره سلطنت وی دخالت قوه مجریه در جریان انتخابات نمایندگی مجالس شورای ملی چنان بود که گاهی از آن به‌عنوان انتخابات «زوری» یاد می‌کنند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۹: ۱۰/۷۷۵).

نمایندگان نه چندان منتخب مردم، بلکه بیشتر منتصب حکومت و دربار بودند. در خصوص انتصاب برخی نمایندگان مانند علی دشتی به نمایندگی مردم بوشهر در مجلس هشتم و نهم، مکاتبات وزارت داخله به اداره حکومتی بنادر مورخ ۱۳۰۹/۵/۱۲ و ۴/۷/۱۳۱۱ نشان می‌دهد که علی دشتی به‌عنوان کاندیدای مدنظر در حوزه انتخابی بوشهر بر انجمن نظارت آن شهر تحمیل شده است (سلامی، ۱۳۸۴: ۱۳۶ و ۱۳۵)؛ بدین ترتیب کابینه نخست‌وزیران وقت که با واژه و مفهوم دولت، یا قوه مجریه به کار می‌روند، جزئی از دستگاه دیکتاتوری حکومت محسوب می‌شوند.

از طرفی، نیروهای امنیتی حکومت وقت، عملاً قانون مصونیت نمایندگان مجلس را، حتی در زمان حضورشان در ادوار مجلس، نادیده می‌گرفت و فضای خفقان‌آمیزی را بر مجلس حکم فرما کرده بود. بی‌توجهی به مصونیت پارلمانی بهار، تیمورتاش، صولت‌الدوله قشقایی نمونه‌هایی از این دست است. این فضا گاه موجب دوگانگی در عملکرد نمایندگان نیز می‌شد. برای مثال میرزا علی کازرونی، یکی دیگر از نمایندگان بوشهر که در ابتدا همراه مدرس بود و

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۶۳

چند بار مورد حمله قرار گرفت، در ادامه مسیرش از او جدا شد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۶۲۹).
محمدرضا شاه نیز مجلس را به صورت تشکیلاتی فرمایشی در راستای اجرای اهداف خود
درآورد. مجلس مؤسسان دیگری در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۸ تشکیل و با تغییر اصل ۴۸
قانون اساسی حق انحلال مجلس شورای ملی و سنا، جداگانه یا هر دو در آن واحد به شخص
شاه تفویض شد (ازغندی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

خاستگاه سیاسی - اجتماعی علی دشتی و احمد اخگر

علی دشتی فرزند شیخ عبدالحسین دشتستانی، از روستای تخلو و از روحانیان خوش‌نام در
استان بوشهر بود. وی آموزش‌های لازم را در درس حوزوی به‌ویژه منطق و کلام و فلسفه
آموخت (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۳)، اما بعدها با ورودش به تهران لباس روحانیت را به‌طور کامل
کنار گذاشت. به‌گفته مصاحب دشتی در سن ۲۲ سالگی در سال ۱۳۳۴ قمری پس از طرد شدن
از جانب پدر، از عتبات به ایران آمد و راهی منزل همسر خواهر خویش شیخ محمدحسین
برازجانی شد که در آن روزگار رهبری مجاهدین جنوب علیه انگلستان را به عهده داشت.
گمانه‌زنی بر آن است علی دشتی با نقشه قبلی و به‌منظور مطلع شدن از نقشه‌های مبارزات
مسلحانه ضد انگلیسی، ساکن منزل شیخ محمدحسین برازجانی شده بود.

در اواسط جنگ بین‌الملل اول که راه عبور و مرور بین‌النهرین مسدود بود، وی با توصیه
سرپرستی کاکس، نائب‌السلطنه بین‌النهرین، وارد بوشهر و با توصیه کنسول انگلیس میجر تربور
راهی برازجان شد. پس از اخراج وی از خانه مجاهد برازجانی، به شیراز رفته و در منزل میرزا
فضل‌الله منشی کنسول‌خانه انگلیس اسکان یافت. سپس با توصیه قوام شیرازی به تهران، منزل
حاج آقا شیرازی از دوستان نزدیک وثوق‌الدوله رفت (مصاحب، ۱۳۲۴: ۷-۶)، اما پس از
مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ توقیف و تبعید شد. با سقوط دولت وثوق‌الدوله، به تهران بازگشت و
در مقام سردبیری روزنامه ستاره/ایران با نشر مقالات انتقادی و کوبنده در صف مخالفان
حکومت و طرف‌داران آزادی و قانون قرار گرفت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۶۷۳) و از این طریق جایگاه
مهمی نزد سیاسی‌هایی همچون مدرس، فرخی و علوی یافت (خواجه نوری، ۱۳۴۰: ۱۶۷).

احمد فرسیو، مشهور و متخلص به اخگر لاریجانی نیز در یک خانواده روحانی در تهران
متولد (شوال ۱۳۰۷ق) شد. پدرش حاجی میرزا ابراهیم آملی از روحانیان مجتهدی بود که
شغل معلمی و کتابداری مدرسه سپهسالار را داشت. او برخلاف روحانیان دیگر، هرگز به
کسوت قضاوت وارد نشد و تنها با آموزگاری در مکتب‌خانه، امرار معاش می‌کرد
(اخگر، ۱۳۶۶: ۲۰-۱۲). احمد اخگر علوم اولیه را در مدرسه سپهسالار و علوم نظامی را در

دارالفنون آموخت (همان: ۱۲-۷). در جوانی و در اوایل جریان مشروطیت بیشتر به امور نظامی و کمتر به فعالیت‌های سیاسی توجه داشت و پس از فتح تهران، تحت امر مظفر اعلم (سردار انتصار) وارد ژاندارمری شد (نظری، ۱۳۹۰: ۵۱).

بی‌علاقگی وی به سیاست، همچون پدر، در ابتدای امر نشان از بی‌توجهی وی به مقام یا قدرت سیاسی بود. با شروع جنگ جهانی اول و هجوم نیروهای انگلیسی به بوشهر، خود را موظف به دفاع از مرزهای جنوبی کشور دید. «و یک عده سیصد نفری ژاندارم تحت امرش را به میدان جنگ برد و از هرگونه مدد به مجاهدین مضایقت نفرمود... بر اثر مجاهدت در جنگ بین‌الملل، یکی از دیدگان نیک‌بین را از دست داد» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۷). در سال ۱۲۹۹، احمدشاه به پاس زحماتش، نشان شیر و خورشید به وی اعطا کرد (فرهنگ ناموران معاصر ایران، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۴۵). وی در ۱۴ آبان ۱۲۹۴ شمسی، همراه با تعدادی از اعضای حزب دموکرات و افسران ژاندارمری گروهی به نام «کمیته ملی حافظین استقلال ایران» را تشکیل داد که مهم‌ترین اقدام این گروه، دستگیری فردریک اوکانر، کنسول انگلستان در شیراز بود (همان: ۵۲).

در مقایسه خلق و خوی دو نماینده، دشتی را فوق‌العاده تیزهوش، تندخو و از خودراضی دانسته‌اند که دیگران را به نظر تحقیر می‌نگریست و کلام خود را وحی منزل می‌دانست (فردوست، ۱۳۷۰: ۲۶۰)، اما وی نه متولد تهران بود، نه از طبقه صاحب‌نفوذ زمین‌دار و تاجر و حتی نه در سایه نامداری پدر یا لباس مذهبی، بلکه با قلم نویسندگی و کلام نافذ خویش، پله‌های ترقی را طی کرد و برای خود در پایتخت و در فضای سیاسی آن، جایگاه ویژه‌ای در کنار صاحب‌منصبان وقت فراهم کرد. مقالات سیاسی وی در روزنامه‌های مختلف به‌ویژه روزنامه شفق سرخ، دیدگاه نقادانه او در طرح معضلات اجتماعی و راه‌حل آن‌ها و نگارش کتب بسیاری از جمله پنجاه و پنج، ایام محبس، فتنه، سایه، عقلا برخلاف عقل، نشان از استعداد نویسندگی بی‌نظیر او دارد.

اخگر نیز نویسنده‌ای توانا بود. او را «جوانی حساس، رشید و خوش‌قیافه، درویش‌مسلك، صمیمی، درستکار و در متاعب و حوادث سهمگین روزگار فوق‌العاده خون‌سرد و همواره طلبکار نام نیک توصیف کرده‌اند» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۷). وی چند ویژگی متناقض را توأمان داشت. هم فعال در عرصه نظامی و حائز درجه سرهنگی، هم شاعری ناسیونالیست با طبع لطیف و هم نویسنده‌ای خوش‌زبان در عرصه سیاسی و فرهنگی بود.

مواضع این دو تن نسبت به رضاخان هم تفاوت‌هایی داشت. دشتی رضاشاه را اردشیر بابکان و نادرشاه افشار می‌پنداشت (دشتی، ۲۵۳۵: ۳۶). مقالات او در ستایش از اقدامات

رضاخان به‌عنوان وزیر جنگ و انجام یک دیدار با وی، سکوی پرواز دشتی به جمع کارگزاران سیاسی بود. حمایت‌های جدی از رضاخان و برنامه‌های سیاسی او، تلاش برای عملی‌شدن طرح جمهوری رضاخانی، چانه‌زنی‌های سیاسی و از جمله طرح موضوع نخست‌وزیری رضاخان، پیگیری مجدانه موضوع تغییر سلطنت و غیره در زمره مهم‌ترین اقدامات دشتی در آغاز فعالیت پارلمانی او بوده است. به باور او بهترین گزینه برای رهایی ایران از مشکلات، رضاخان بود. او در این دوران، رضاخان را یک «نظامی وطن‌پرست، یک مرد فعال و پراز آتش و سرشار از غیرت و تعصب» و «گاریبالدی» ایران می‌پنداشت و لذا تمام انرژی جوانی خود را صرف تقویت او، صرف تأیید فکر و سیاست او می‌کرد (دشتی، ۱۳۳۹: ۱۹۱ و ۱۹۰).

در واقع دشتی به‌مانند بسیاری از روشنفکران هم‌عصر خویش معتقد به ضرورت حضور یک ناجی برای سامان بخشیدن به ایران آشوب‌زده بود؛ وی تصورات خود را در خصوص رضاخان این‌گونه شرح می‌دهد: «تمام تصوراتی که راجع به سردار سپه می‌کردم، پندار بی‌بنیانی ظاهر شد. نه تنها او عامل اجنبی نیست، بلکه مردی است که می‌خواهد کار کند، می‌خواهد به اوضاع وخیم و تباه‌کننده خاتمه دهد» (دشتی، ۲۵۳۵: ۲۷ و ۲۶).

نماینده مجلس شورای ملی در دوران رضاشاه، کمترین پاداشی است که دشتی به پاس اندیشه و عملکرد سیاسی-فرهنگی‌اش در حمایت از او به دست آورده بود. اخگر البته شیفته رضاشاه نشد و حتی هنگامی که نماینده مردم بوشهر در مجلس پنجم بود در مقالاتی در روزنامه قرن بیستم با جمهوری‌خواهی رضاخان و نیز با افزایش قدرت وی مخالفت می‌کرد (نظری، ۱۳۹۰: ۵۳) و در طول دوره حکومت رضاشاه در هیچ مجلسی حضور نیافت.

نطق‌ها و عملکرد پارلمانی دو نماینده بوشهر

علی دشتی

دشتی با شش دوره نمایندگی مجلس شورای ملی و شش دوره نمایندگی مجلس سنا از رکوردداران عضویت در قوه مقننه در دوره پهلوی به شمار می‌آید. وی در دوره رضاشاه از مجلس ششم تا نهم به‌عنوان نماینده بوشهر و در مجالس دوازدهم و سیزدهم به‌عنوان نماینده دماوند برگزیده شد. او در مجلس پنجم نیز به نمایندگی ساوه و سامان (از توابع ساوه) انتخاب شد، اما با اعتراض مردم این منطقه همراه و در عرایض ارسالی از دخالت میرزا محمود، نایب‌الحکومه آنجا در نتیجه انتخابات به نفع علی دشتی شکایت شد و نهایتاً اعتبار نامه وی در این مجلس رد شد (اسناد عرایض، حوت ۱۳۰۲ش)

دشتی طی هشت سال در چهار دوره نمایندگی بوشهر تنها ۷ نطق در مجلس داشت. متن این نطق‌ها در محورهای زیر بررسی می‌شود.

متن اول

در باب لایحه راه آهن

«تلگراف‌های زیادی از بوشهر به من رسیده است ... البته وظیفه هر وکیل هست مصالح خصوصی محل انتخاب خود را در نظر داشته باشند، ولی یک وظیفه مقدم‌تر و واجب‌تر از او هست که به آن وسیله بایستی منافع کلیه مملکت را در نظر بگیرد و انجام دهد وقتی بنا شد در ایران یک خط آهن کشیده شود باید دید کدام خط، منظور دشتی خط آهن خوزستان، از نقطه نظر منافع اوضاع سیاسی و اقتصادی مملکت مناسب است... اما راه آهن ایستگاه بندر بوشهر، خیلی بد و برخلاف مصالح مملکت است» (دوره ۶، جلسه ۶۷، ۴ اسفند ۱۳۰۵)

تلاش مجلس ششم در تصویب قانون آن به‌عنوان مهم‌ترین و جنجالی‌ترین طرح این دوره در جلسه ۶۷ آن موافقان و مخالفان زیادی در خصوص مسیر آن داشت. سید یعقوب انوار که به‌عنوان نماینده شیراز، یکی از مخالفان اصلی اجرای این طرح در مسیر شهرهای غربی به‌ویژه خوزستان و در واقع متمایل به ایستگاهی در شهرهای شیراز و بندر بوشهر بود، دشتی را موافق‌الدوله خواند و در مخالفت گفت:

«در مرکز هم توجهی به جنوب نمی‌شود... این همه مخارجی که شما در شمال کردید در غرب کردید چند یک این مخارج را در جنوب کردید، راه‌ها از شیراز به بوشهر از بوشهر به بهبهان تمام این راه‌ها همان‌هایی است که هزار سال قبل از این بوده است و دولت ابدأ توجهی به این‌ها نکرده هر چه هم فریاد می‌زنیم می‌گویند بودجه کم است. چه شده است که برای طرف جنوب کم است؛ ولی برای جاهای دیگر کم نیست. آقای دشتی می‌فرمایند به وحدت ملی ضرر می‌خورد! بنده وحدت ملی را در این می‌دانم که منافع مرکز نسبت به تمام ولایات علی‌السویه باشد.»

اما نمایندگانی همچون فرمند از گذشتن این خط از شهرهای غربی استقبال می‌کرد. مدرس و شیروانی نیز از جمله نمایندگان مخالف با عبور راه آهن از شهرهای غربی بودند، اما نکته مهم آن است که اجرای این طرح و بندر محمره به‌عنوان ایستگاه پایانی آن، هدفی بود که در سال

۱۳۰۳ در ذهن رضاشاه نقش بسته بود. وی در سفرنامه خود می‌گوید:
«دستی مدیر روزنامه شفق سرخ به اتفاق بهرامی، رئیس کابینه من، به دفتر اداری من در عمارت وزارت جنگ آمده بودند و من این فکر خود را به آنها گوشزد کردم... که شما دو نفر شاهد باشید که امتداد خط آهن ایران یکی از آمال دیرینه من بوده و دقیقه‌ای از خیال ایجاد آن منصرف نبوده‌ام.» (پهلوی، ۱۳۵۴: ۲۵۸ و ۲۵۷)

متن دوم

زمانی که رضاشاه از لزوم تغییر لباس و متحدالشکل شدن آن سخن گفت، دستی به منظور تأیید خواسته او در مجلس، ضمن آنکه آن روز را مبارک خواند در نطقی اظهار داشت:
«باید حتماً متحدالشکل شد... اراده شخص اول مملکت این قضیه را در تمام نواحی مملکت اجرا کرده است و این در حقیقت یک روح وحدت و اظهار عقیده‌ای است که مجلس شورای ملی نسبت به شخص اول مملکت نشان می‌دهد... الان شما به خوزستان تشریف ببرید دیگر عربی با چفیه و عقال نمی‌بینید همه کت و شلوار پوشیده‌اند همه آدم شده‌اند... بنده عقیده دارم که شکل چفیه و عقال در ایران شکل آدم نیست و هم مخالف ملیت ما است... هر کس از خانه‌اش از زنش قهر می‌کرد یک عمامه گنده سرش می‌گذاشت و روحانی می‌شد و مردم را اغوا می‌کرد؛ پس بنابراین از این نظر یعنی از نظر حفظ مقام روحانیت و از نظر ترقی اسلام هم باید مردم متحدالشکل شوند و بالاخره لباس روحانیون محدود به آنها باشد ما در این قسمت مخالفت نداریم... اشکال بنده در ماده سه راجع به مجازاتی است که معین کرده‌اند البته این مجازات برای شهری‌ها اهمیت ندارد، ولی برای دهاتی‌ها سه تومان و پنج تومان زیاد است، ما به نظرمان نمی‌آید چون حقوقمان سیصد تومان است اهمیت نمی‌دهیم ولی باور کنید که دهاتی‌های ایرانی سه تومان را نمی‌توانند بدهند باید گلیمشان را بفروشند سه تومان را بدهند این کار مشکلی است. این است که بنده عقیده دارم باید مجازات آنها را تخفیف داد و با آنها ارفاق کرد.» (دوره ۷، جلسه ۱۵، ۴ دی ۱۳۰۷)

متن سوم

در لغو امتیاز داری

«بنده معتقدم که دولت در این اقدام خودش فقط مظهر اراده ملت و افکار جامعه بوده است... بنده شعف و وجد عمومی که از الغا امتیاز نامه داری در افراد مردم دیدم حتی در وقت الغای کاپیتولاسیون هم ندیدم... واقعاً متحیر شدم که علت این چیست بعد به نظرم این طور رسید که عملیات کمپانی نفت جنوب در مقابل دولت و ملت به درجه ای بد بوده است که نفرت عمومی را نسبت به خودش در این مدت جلب کرده است... کسانی که در خوزستان بوده اند... می توانند بفهمند که کمپانی با مردم چه جور رفتار می کرد... تمام زارعین شکایت می کردند که قیمت نفت تقریباً دو برابر قیمتی است که در عراق می فروشند نفت ما را می بردند به عراق تقریباً نصف قیمت اینجا ارزان تر می فروختند و از این حیث یک لطمات زیادی به عمران خوزستان وارد آورده بودند... نفت در بوشهر گران تر از طهران است... در اجتماع هیچ چیزی قوی تر و نافذتر از اراده ملت نیست... یکی از متفکرین بزرگ انگلیسی می گوید هیچ ادعایی صحیح تر و منطقی تر از ادعای یک ملتی که حقوق خودش را مطالبه می کند نیست؛ یعنی... این ملت رشید است و باید حق او را بهش داد.» (دوره ۸، جلسه ۱۱۷، ۱۰ آذر ۱۳۱۱)

اما بعد از موافقت به دست آمده میان رضاشاه و انگلیس و تمدید امتیاز داری تحت عنوان قرارداد ۱۹۳۳، دشتی نیز همچون تقی زاده و دیگر نمایندگان به مخالفت خود با قرارداد ۱۹۳۳ ادامه نمی دهد و این نمایندگان با سکوت خویش به ماجرا و به تنش بر سر آنچه در مجلس و چه در فضای مطبوعات بود، خاتمه می دهند.

متن چهارم

«نیت دولت را اعلیحضرت همایونی در خطابه افتتاحیه اینجا فرمودند و دولت باید طرز اجرای آن نیت را به عرض مجلس برساند نه اینکه فقط نیت را تکرار کند... به نظر بنده از اول زمامداری اعلیحضرت این مسئله کاملاً محرز است و... عمل هم کرده اند که همیشه روابط دولت ایران با دول خارجه روی اصل معامله متقابل باشد... امروز تمام اصلاحاتی که در این مملکت شده است قائم به وجود یک فرد است... و باید سعی کرد این ها را در مغز مردم جا داد یعنی مردم را حامی این اصلاحات کرد.» (دوره ۹، جلسه ۶، ۳۰ فروردین ۱۳۱۲)

متن پنجم

در انتقاد به قانون انحصار تریاک و دفاع از زارعان می‌گوید:

«قبل از انحصار ما سالیانه شانزده میلیون صادرات تریاک داشتیم، ولی الان شاید شش میلیون داریم اغلب زارعین فارس و جاهای دیگر دست از زراعت خودشان کشیده‌اند... در کردستان روزبه‌روز زراعت توتون دارد پایین می‌آید به واسطه سوءرفتار مأمورین مالیه... به عقیده بنده یک دولتی که اهمیت می‌دهد به مسائل اقتصادی در درجه اول باید فلاحت این مملکت را ترقی بدهد و اهمیت بدهد برای اینکه این یک صنعت ابتدایی و بدوی این مملکت است و تمام مردم هم با این ارتباط دارند و وسایل آن را هم داریم... دولت ایران چقدر مخارج می‌کند و به هیچ وجه خرجی برای آبیاری نکرده است... برای ترقی مسائل اقتصادی یک مسئله دیگر هم هست... و آن جلب سرمایه خارجی است. مملکت را به یک حالت نشاط اقتصادی درآورد... یکی از کارهای مهم دولت این است که از افراد خود مملکت بفرستند به خارج و آنجا تحصیلات بکنند و برگردند.» (دوره ۹، جلسه ۶، ۳۰ فروردین ۱۳۱۲)

متن ششم

وی درباره لایحه قانون انحصار تجارت خارجی که موضوعیت آن در ظاهر مبارزه با قاچاق بود، اما به تاجر داخلی ضربه می‌زد، گفت:

«وقتی که لایحه به این درجه از ابهام رسید که هر وکیلی بخواهد از روی وجدان رأی دهد نمی‌تواند مگر اینکه دولت بگوید به من رأی اعتماد دهید که البته من می‌دهم.»
و در نحوه اجرای آن می‌گوید:
«تعجب می‌کردم که چرا مردم اجناس خودشان را به قیمت نازل می‌فروختند... بعد معلوم شد که این‌ها (مردم) اعتماد به دولت ندارند... بنده با یکی از آن‌ها صحبت کردم... گفت آقا ما نمی‌دانیم که صاحب مال التجاره خودمان خواهیم بود یا نه؟ حالا علت این سوءظن چیست؟ علت در سر مأمورین است مأمورین واقعاً به منزله شعر تعزیه شده‌اند... اسباب زحمت مردم را فراهم می‌کنند... این عمل از طرف مأمورین برخلاف اصل بوده است... یعنی روزبه‌روز روح اعتماد و اطمینان مردم را از دولت سلب بکنند.» (دوره ۹، جلسه ۹)

متن هفتم

در خصوص اقدام رضاشاه در سفر به ترکیه، می‌گوید:

«وقتی که برای ایشان این خیال آمد و بنا شد تشریف ببرند و در تمام طبقات مختلفه مملکت اظهار عدم رضایت و اظهار مخالفت با سفر شاه شد نه از نقطه نظر اینکه به ترکیه نروند، بلکه از نقطه نظر اینکه طبقات مختلفه میل نداشتند اعلیحضرت همایونی که به منزله روح مملکت هستند از ایران خارج شوند... این احساساتی که ملت ترک نسبت به اعلیحضرت همایونی ابراز کرده‌اند در حقیقت نسبت به ملت ایران است برای اینکه ما اعلیحضرت پهلوی را تنها یک نفر پادشاه خودمان نمی‌دانیم؛ بلکه او را مظهر ایدئال ملی خودمان می‌دانیم... هر قدر احترام نسبت به اعلیحضرت همایونی شده باشد نسبت به ملت ایران شده است.» (دوره ۹، جلسه ۸۸، ۳۰ خرداد ۱۳۱۳)

جدول تحلیل محتوای گزاره‌های استخراج شده از نطق‌های پارلمانی دشتی

شماره متن	کد گروه اول:	کد گروه دوم:	کد گروه سوم:	کد گروه چهارم:
متن اول	عدم توجه به حقوق قومیت‌ها و اقشار	حمایت از حقوق مردم حوزه انتخابی (بوشهر)	حمایت از حقوق مردم در کل جامعه	پیشبرد اهداف حکومت با ابزار و نهادهای وابسته به آن
متن دوم	۱. دیگر عربی با چفیه و عقال	۱. رسیدگی به تلگراف‌های بوشهر ۲. وظیفه هر وکیلی رسیدگی به مصالح خصوصی محل انتخابش است	۱. منافع کلیه مملکت ۲. منافع سیاسی و اقتصادی مملکت ۳. ایستگاه شیراز و بوشهر برخلاف مصالح مملکت است	۱. دفاع از ایستگاه راه آهن خوزستان (طرح) از پیش تعیین شده و مطابق دستور (رضاشاه) ۲. اجرای طرح متحدالشکل شدن به
			۴. ارفاق و تخفیف جرایم مالی برای	

<p>خواست و اراده شخص اول مملکت ۳. روح اتحاد مجلس نشانگر اظهار عقیده به شخص اول مملکت است</p>	<p>روستائیان</p>		<p>نمی بینید همه کت و شلوار پوشیده اند، همه آدم شده اند ۲. لباس قوم عرب مخالف ملیت ایرانی است.</p>
<p>۴. دولت مظهر اراده ملت است^۱ ۵. دولت مظهر افکار جامعه است</p>	<p>۵. رفتار نامناسب کمپانی نفت با مردم خوزستان ۶. شکایت مردم خوزستان از قیمت بالای نفت ۷. فروش نفت ما به قیمت ارزان در عراق ۸. لطمه به عمران خوزستان ۹. وجد عمومی مردم از الغای داری ۱۰. نفرت عموم مردم از عملیات کمپانی نفت ۱۱. هیچ چیزی قوی تر و نافذتر از اراده ملت نیست ۱۲. هیچ ادعایی</p>	<p>۳. نفت در بوشهر گران تر از طهران است</p>	<p>متن سوم</p>

۱. در این نقطه زمانی و به ویژه از مجلس هفتم به بعد انتخابات و انتصابات سیاسی در گستره قدرت حاکمیت پهلوی قرار داشت.

	<p>صحیح‌تر و منطقی‌تر از ادعای یک ملتی که حقوق خودش را مطالبه می‌کند نیست ۱۳. باید حق ملت را داد</p>			
<p>۶. هم نظری با اعلیحضرت و اجرای نیت او ۷. اصلاحات مملکت قائم به وجود رضاشاه است ۸. باید اصلاحات رضاشاه را در مغز مردم جا داد</p>				<p>متن چهارم</p>
	<p>۱۴. اعتراض به سوءرفتار مأموران مالیه در کردستان ۱۵. لزوم اجرای حقوق کشاورزان در برنامه دولت ۱۶. اعتراض به دولت در بی‌توجهی به فلاح و آبیاری ۱۷. ایجاد نشاط اقتصادی مملکت به‌وسیله کمک‌گرفتن از</p>	<p>۴. دفاع از حقوق زارعان فارس</p>		<p>متن پنجم</p>

	سرمایه خارجی در زمینه علمی و آموزشی			
۹. هر وکیلی بخواهد از روی وجدان رأی دهد نمی تواند مگر اینکه دولت بگوید به من رأی اعتماد دهید که البته من می دهم	۱۸. تذکر به دولت و رئیس تجارت من باب زحمات تحمیل شده به مردم ۱۹. اعتراض به مأمورین دولت من باب بی توجهی به حقوق تجار و مردم ۲۰. سوء رفتار مأموران دولت در سلب اعتماد مردم به دولت			متن ششم
۱۰. اعلیحضرت همایونی که به منزله روح مملکت هستند ۱۱. ما اعلیحضرت پهلوی را تنها یک نفر پادشاه خودمان نمی دانیم؛ بلکه او را مظهر ایدئال ملی می دانیم				متن هفتم
۱۱	۲۰	۴	۲	مجموع ۳۷ گزاره



با چهار دوره نمایندگی بوشهر شاید انتظار می‌رفت که دشتی نطق‌های بیشتری ارائه می‌داد، اما تنها در هفت نطق وی در این دوران مجموع ۳۷ گزاره استخراج شد که ۴ گزاره معادل ۱۱ درصد اشاره به حقوق مردم بوشهر، ۲۰ گزاره معادل ۵۴ درصد اشاره به حقوق مردم در کل جامعه ایران دارد و ۲ گزاره معادل ۵ درصد حاکی از بی‌توجهی به حقوق قومیت‌هاست و در ۱۱ گزاره با ۳۰ درصد مجموع گزاره‌های استخراج‌شده از متن سخنرانی‌های ایشان گرایش به تحقق اهداف حکومت از خود به ثبت رسانیده است.

دشتی انضباط پارلمانی ضعیفی داشت. در کمیسیون عرایض مجلس، به مرخصی پزشکی علی دشتی چنین اعتراض می‌شود که آقای دشتی به گواه اکثر نمایندگان هیچ‌گونه کسالتی نداشته، بلکه به مسافرت رفته است (دوره ۶، جلسه ۲۲، ۳ آبان ۱۳۰۵). او سابقه غیبت‌های مکرر دیگری نیز داشت؛ ۲۵ غیبت در مجموع جلسات ادوار مختلف که به‌عنوان نماینده بوشهر است از او ثبت شده که ۹ تای آن به‌صورت بی‌اجازه، مربوط به دوره هشتم، ۷ جلسه مربوط به دوره ششم و ۹ جلسه نیز به‌طور پراکنده در دو دوره دیگر بوده است.

او تنها در دو مجلس دهم و یازدهم شورای ملی دوره رضاشاه نتوانست به‌عنوان نماینده حاضر باشد. علت آن نیز تغییر نگرش رضاشاه نسبت به وی بود. در ۲۰ فروردین ۱۳۱۴، شفق سرخ توقیف و خود او نیز دستگیر و زندانی شد. در شماره‌های پایانی سال ۱۳۱۳ و فروردین ۱۳۱۴ شفق سرخ مقاله‌ای که حاکی از نقد عملکرد رضاشاه و عاملی بر خشم و غضب وی باشد یافت نمی‌شود؛ اما دشتی بعدها در مجلس سیزدهم علت دستگیری خود را این‌گونه بیان می‌کند:

«من یک نفر وکیل مردم نه خیانت کرده بودم نه جرم کرده بودم چه تقصیری کرده بودم؟ برای این بود که کمتر تملق گفته بودم برای این بود که متوقع بودند در موقعی که من به کنفرانس اینترپارلمانتر، بین‌المجالس، رفته بودم به اسلامبول و در آنجا همه ملل از خطر جنگ

و اوضاع دنیا وحشت داشتند چرا من آنجا تعریف رضاشاه را نکردم.» (دوره ۱۳، جلسه ۱۰۸، ۲۱ آبان ۱۳۲۱)

او پس از آزادی مجدداً اجازه فعالیت یافت و در سال ۱۳۱۷ به ریاست «اداره سانسور مطبوعات» گمارده شد (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۸۶ و ۸۷) و بعد از آن گفته بود، انجام این کار به منظور نجات جاننش از زندان بوده است (عاقلی، ۱۳۸۰: ۶۷۵)، اما مهم ترین مسئله ای که دشتی را در تیررس انتقادات قرار داده است، چرخش های مداوم او به سمت حکومت در مقتضیات زمانی مختلف است.

به طور نمونه پس از بخشودگی، با عنوان نماینده دماوند وارد مجلس دوازدهم شد (همتی، ۱۳۸۳: ۲۱۷) تا جلسه ۱۱۵ کاملاً ساکت و خاموش بود و اما به محض برکناری رضاشاه در نطق معروف خود زبان به انتقاد گشود و مسئله جواهرات سلطنتی را مطرح کرد: «آقای فروغی گفتند که از اثاثیه شاه مستعفی پس از حرکت از اصفهان در بندرعباس توسط مأمورین گمرک بازرسی به عمل آمده و... این حرف خیلی مضحک است. شاه سابق در اصفهان طوری رفتار می کرد که تا شعاع ۵۰۰ متر کسی حق نداشت دور خانه اش عبور نماید... انصاف بدهید که یک مأمور چهل تومانی گمرک بندرعباس چگونه جرئت دارد شاه را تفتیش بکند؟ چرا باید یک نفر رئیس دولت یک چنین حرفی بزند؟ آیا مأمورین بندرعباس می توانستند اثاثیه شاه را تفتیش کنند و جعبه ای که اوراق بهادار و سهام نفت جنوب است بازرسی کرده و جیب او را دست بزنند که آیا چهار پنج سیر زمرد و الماس وجود دارد... رویه دولت به طوری مشکوک است که مردم به املاک از دست رفته ابداً اطمینان ندارند.» (مکی، ۱۳۶۶ الف: ۱۵۴ و ۱۵۳)

دشتی از علاقه مندان اولیه رضاشاه بود، اما شور و شوق او برای مدت کوتاهی که در حصر خانگی قرار گرفت، کاهش یافت. وی خشم خود را کنترل کرد تا زمانی که یک شب از یک پشتیبان سلطنت طلب تغییر ماهیت داد. او فوراً خواستار عفو زندانیان سیاسی شد، شاه پیر را به خاطر نقض «حق مسلم انسان بر مالکیت خصوصی» مکرراً محکوم کرد.^۱

او در آخرین حضور خود به عنوان نماینده مجلس شورای ملی، از تهران به نمایندگی از حزب عدالت وارد مجلس چهارده شد و به گفته قاسم غنی در این سالها به عنوان عضوی از «جناح انگلوفیل» شناخته می شد (غنی، ۱۳۷۷: ۴ / ۱۸۱) و از آن پس با شروع دوره جدیدی از قدرت دیکتاتوری پهلوی در زمان محمدرضا شاه و دستور تشکیل مجلس سنا، به مقام سناتوری از تهران در شش دوره متوالی، به جز دوره اول، رسید و این سمت را تا پایان حکومت پهلوی به مدت ۲۶ سال بی وقفه بر عهده گرفت.

احمد اخگر

اخگر در دوره پنجم قانون‌گذاری، نماینده مردم دشتستان بوشهر بود. او به اتفاق سیزده تن از نمایندگان هم‌فکر خود، در فراکسیون اقلیت مجلس در مخالفت با جمهوری‌خواهی و ازدیاد قدرت رضاخان طرح استیضاح وی در مقام رئیس‌الوزاری را به رهبری مدرس در مجلس ارائه کردند، اما شایان‌ذکر است موضع سیاسی اخگر نیز مانند دیگر نمایندگان مجلس تدریجاً تغییر کرد و در مجلس پنجم به انقراض قاجاریه رأی داد (جلسه ۲۱۱، ۹ آبان ۱۳۰۴) و پس از آن امور سیاسی را ترک کرد (روستایی، ۱۳۸۰: ۲۲۰) وی در خصوص علت اصلی انصراف از فعالیت پارلمانی به گفتن صرفاً این جمله اکتفا کرده است: «هزار حیف که مرور زمان و پیشامدهای سخت دوره‌های بعد موجب فراموشی روزهای خوب شده و توضیحات بیشتری نمی‌توانم بیان کنم.» (اخگر، ۱۳۶۶: ۸۷)

او بار دیگر به امور نظامی روی آورد و دیگر اصراری بر کاندیدشدن برای نمایندگی مجلس رضاشاه را نداشت و در این فاصله به مدت بیست و یک سال بدون ترفیع درجه، با منصب سرهنگی تحت مراقبت پلیس سیاسی، در عصر رضاشاه و مأموران امنیتی در روزگار محمدرضا شاه پهلوی قرار داشت (دینشاه ایرانی، ۱۳۱۳: ۶۰ و ۵۹). با شروع جنگ جهانی دوم، اخگر بار دیگر در لباس نظامی همچون جنگ جهانی اول، از مردم بوشهر دفاع کرد، درحالی‌که برخی از ژاندارم‌ها صلاح خویش را در هم‌دستی با انگلیسی‌ها دیدند، اما سرهنگ اخگر گفته است: «در مأموریتی که ... ما از جانب خدا و وجدان داریم تغییری روی نداده است و تا آخرین فرد نظامی انگلیسی در بوشهر است نباید روی دهد.» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۷۰: ۱۴۴ و ۱۳۶)

او در انتخابات دوره هفدهم بار دیگر از منطقه بوشهر به وکالت مجلس انتخاب شد و به فراکسیون ملی مجلس پیوست (مکی، ۱۳۶۶: ۳۲۵-۶) و با الزام به حضور در عرصه سیاسی به منظور حفظ منافع ملی، از اندیشه و فعالیت‌های سیاسی دکتر مصدق طرف‌داری کرد (اخگر، ۱۳۳۰: ۲).

اخگر طی چهار سال در دو دوره نمایندگی مجلس، یازده نطق دارد که در برخی از نطق‌هایش (چهار متن اول) زبان‌گویای عرایض مردم بوشهر است.

متن اول

«قانون جدیدی به منظور استخدام معلمین و مدیران مدارس دولتی تدوین شود... اجرای این قانون به منظور کمک به متقاضیان ضرورت دارد.» (اسناد مجلس، دوره ۵، ۱۳۰۳/۴/۱۱)

متن دوم

«درخواست بررسی طرح پیشنهادی نمایندگان در خصوص تأسیس سرویس تلگراف و پست از نائین به ترشیز و از شیراز به بندر لنگه، آزادی نفت گیلان از عمال بیگانه، اجرای قانون محاکمه وزرا» (اسناد مجلس، دوره ۵، ۱۳۰۳/۱۱/۲۶)

متن سوم

«اوضاع زندگی و معیشت زندانیان نامناسب است... پس از آزادی تقاضای مساعدت و ارائه شغل و حتی عفو و رهایی برای گروهی از آنان داریم» (اسناد مجلس، دوره ۱۷، ۱۳۳۳/۱/۱۶)

متن چهارم

تقدیم رونوشتی از تلگراف و خواسته‌های مردم بندر دیلم، بوشهر و برازجان توسط اخگر به مجلس:

«مردم بوشهر سه چهار چیز را قبل از تمام مسائل می‌خواهند یکی اینکه بدون رودربایستی کوتاه‌کردن دست عمال انگلیس و سایر اجانب از دامان اینان و مملکت، دوم خلع‌ید از دزدان اداری و اجتماعی، سوم مجازات خیانت‌کاران و جنایت‌کاران، چهارم اصلاح دادگستری و مخصوصاً دادرسی ارتش و این اصلاحات بدون اتحاد کامل صورت‌پذیر نخواهد شد، باید تمام و کلاً متحداً برای سعادت مردم این کشور با هم متحد شویم» (دوره ۱۷، جلسه ۲۰، مرداد ۱۳۳۱)

متن پنجم

در ماجرای قیام سی تیر و روی کار آمدن قوام و تبعات پس از آن درباره مجازات او معتقد است که

«کارهایی که در مجلس انجام می‌گیرد، نمی‌بایست روی احساسات باشد. همه چیز باید بر محوریت قانون و منطق باشد و با قانون و منطق، خاطیان امور سیاسی را مجازات کرد» (دوره ۱۷، جلسه ۲۳، ۵ مرداد ۱۳۳۱)

متن ششم

با مطرح شدن لایحه تمدید حکومت نظامی در تهران، مصدق را مورد اعتماد عموم می‌داند، اما رأی به مسکوت بودن این لایحه می‌دهد و می‌گوید:

«مردم تهران خودشان حافظ انتظام هستند... حکومت نظامی برای آن‌ها لازم نیست و نباید به عنوان حکومت نظامی اشخاصی را که قانون حق دخالت در سیاست نداده وارد سیاست بکنند و با مردم طرف بکنند.» (دوره ۱۷، جلسه ۲۵، ۱۹ مرداد ۱۳۳۱)

متن هفتم

قرائت تلگراف‌های حمایت مردم بوشهر و گناوه و دیلم از مصدق توسط اخگر در مجلس به منظور تغییر نظر و اظهار رأی مثبت به حکومت نظامی مصدق به منظور رویارویی با سوءاستفاده محمدرضا شاه:

«بنده کاملاً با حکومت نظامی مخالف بودم و حالا هم مخالف هستم، ولی بعد از آنکه دیدم یک عده معدودی... آمدند چند روز متوالی پایتخت کشور را در این موقع فوق‌العاده مغشوش کردند، به طوری که اصلاً برای هیچ‌کس آزادی نبود. با این وضعیت البته قانون هست، مجری هست، مأمورین شهربانی هستند، ولی اگر با آن قوانین و آن طرز می‌توانستند نظم را حفظ بکنند، البته محتاج به حکومت نبودیم. به همین دلیل ما قبول بکنیم که حکومت نظامی داشته باشیم.» (روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی، ۱۳۳۱: ۹)

متن هشتم

اعتراض به نماینده لاهیجان مبنی بر اتهام وارده به مردم و نمایندگان بوشهر در مجلس با این مضمون:

«آزاد بودن بوشهر هم دلیل بر این ندارد که چای لاهیجان فروش نرود چای لاهیجان فروش نرفتنش دلیل بر دخالت بوشهری‌ها نیست.» (دوره ۱۷، جلسه ۲۶، ۲۱ مرداد ۱۳۳۱)

متن نهم

در محکومیت استعمار می‌گوید:

«دول متجاوز نسبت به ما تا به حال سیاست اضمحلال داشته‌اند. علت طرف‌داری

مردم از جناب آقای دکتر مصدق بیشترش برای این مبارزه‌ای است که با بیگانگان پیش گرفته‌اند مردم از دست مظالم بیگانه به جان آمده‌اند و حال که موفق شده‌اند... موقعی است که عمال بیگانه را هر که می‌خواهد باشد اخراج شود و کار ایرانی به دست ایرانی اداره شود و همچنین الان همه مردم منتظرند که دولت اصلاحاتی در همین دستگاه حکومت بکند و هر چه زودتر دستگاه حکومت از اشخاص فاسد اصلاح شود و به‌جای مخارج زائد و تشریفات غیرلازم صرف امور تولیدی شود... و کار برای بیکاران تهیه شود.»
به‌ویژه درباره بوشهر می‌گوید:

«فقیرترین مردم شمال غنی‌ترین مردم بوشهر است مردم بوشهر آب ندارند نان ندارند بهداری ندارند هیچ ندارند در صورتی که چشم‌وچراغ بنادر ایران بوده است، ولی امروز چنان به وضع فلاکت‌باری افتاده است که واقعاً انسان به حال آن‌ها رقت می‌کند.» (دوره ۱۷، جلسه ۳۶، ۱۵ آبان ۱۳۳۱)

متن دهم

«هر چه پول گیر آمده است در تهران خرج شده از این اعتبار در تهران هیچ نباید مصرف شود و باید به مصرف مدارس ابتدایی و متوسطه شهرستان‌ها که در نهایت احتیاج هستند تخصیص داده شد.» (دوره ۱۷، جلسه ۴۹، ۳۰ آذر ۱۳۳۱)

متن یازدهم

«مردم رشید و دلاور شهرستان بوشهر قریب ۳ سال در یک دشت همواره با نداشتن هیچ‌گونه وسایل با ارتش متجاوز، انگلیس، جنگیدند و در این راه واقعاً از حیث شجاعت و دلیری موجب افتخار تاریخی ایران شدند [اما] روزبه‌روز بر خرابی این شهرستان افزوده و حال صورتی پیدا کرده است که این بنادر به حال مخروبه افتاده است... که ذکرش اسباب تأثر و تأسف است... تنها راهی که ممکن است این بنادر از حال خرابی بیرون بیایند تهیه وسایل و تدابیری است که بشود تجار جنس وارد بکنند و برای مردم ایجاد کار بکنند... ولی وقتی ایجاد کار شد می‌توانند مردم زندگی بکنند.» (دوره ۱۷، جلسه ۵۴، ۱۱ دی ۱۳۳۱)

جدول تحلیل محتوای گزاره‌های استخراج شده از نطق‌های پارلمانی اخگر

شماره متن	کد گروه اول:	کد گروه دوم:	کد گروه سوم:	کد گروه چهارم:
متن اول	عدم توجه به حقوق مردم و قومیت و اقشار	حمایت از حقوق مردم حوزه انتخابی (بوشهر)	کد گروه سوم: حمایت از حقوق مردم در کل جامعه	کد گروه چهارم: پیشبرد اهداف حکومت یا ابزار و نهادهای وابسته به آن مثل دولت و...
متن دوم			۱. تأکید بر استخدام نیروی کار جدید	
متن سوم			۲. تأسیس سرویس تلگراف و پست از نائین به ترشیز و از شیراز به بندر لنگه ۳. آزادی نفت گیلان ۴. اجرای قانون محاکمه وزراء	
متن چهارم			۵. تقاضای مساعدت و ارائه شغل و حتی عفو و رهایی برای برخی از زندانیان	
متن پنجم		۱. تقدیم رونوشتی از عرایض مردم بوشهر به مجلس ۲. کوتاه کردن دست عمال انگلیس از دامان مردم بوشهر	۶. کوتاه کردن دست عمال انگلیس و سایر اجانب از دامان این مملکت ۷. خلع ید از دزدان اداری و اجتماعی ۸. مجازات خیانت کاران و جنایت کاران ۹. اصلاح دادگستری و مخصوصاً دادرسی ارتش ۱۰. اتحاد نمایندگان	

	مجلس برای سعادت مردم این کشور			
متن پنجم	۱۱. کارهای مجلس می بایست بر محوریت قانون و منطق باشد. ۱۲. مجازات خاطیان امور سیاسی			
متن ششم	۱۳. مردم تهران خودشان حافظ انتظام هستند ۱۴. رأی اعتماد به دولت ملی مصدق ۱۵. مسکوت گذاشتن لایحه حکومت نظامی			
متن هفتم	۱۶. اعتراض به مغشوش کردن اوضاع تهران به وسیله طرفداران قوام ۱۷. رویارویی با سوء استفاده محمدرضا شاه از قدرت ۱۸. موافقت با حکومت نظامی مصدق به منظور اجرای نظم	۳. قرائت تلگراف حمایت مردم بوشهر و گناوه و دیلم از مصدق		
متن هشتم		۴. دفاع از تاجران چای خارجی در بندر بوشهر		
متن نهم	۱۹. سیاست اضمحلال دول متجاوز نسبت به مردم ایران ۲۰. حمایت از مصدق	۵. بالابودن سطح فقر در بوشهر ۶. مردم بوشهر آب ندارند		

	<p>۷. بوشهر بهداری ندارد</p> <p>به منظور مبارزه با بیگانگان</p> <p>۲۱. به جان آمدن مردم از مظالم بیگانه</p> <p>۲۲. اخراج عمال بیگانه</p> <p>۲۳. انتظار مردم در اصلاح دستگاه و دولت از اشخاص فاسد</p> <p>۲۴. افزایش هزینه امور تولید</p> <p>۲۵. کار برای بیکاران</p>			
	<p>۲۶. شهرستان‌های غیر از تهران در نهایت احتیاج‌اند</p>			متن دهم
		<p>۸. مردم بوشهر بدون امکانات در برابر انگلیس در جنگ است</p> <p>۹. خرابی شهرستان بوشهر در اثر بی توجهی به آن</p> <p>۱۰. تهیه وسایل و تدابیری برای اشتغال در بوشهر</p> <p>۱۱. تجارت بوشهر</p>		متن یازدهم
۰	۲۶	۱۱	۰	مجموع



مطابق آمار به دست آمده از ۱۱ نطق احمد اخگر در ۲ دوره نمایندگی مردم بوشهر از مجموع ۳۷ گزاره استخراج شده، ۱۱ گزاره معادل ۳۰ درصد اشاره به حمایت از حقوق مردم بوشهر در حوزه انتخابی و ۲۶ گزاره معادل ۷۰ درصد اشاره به حمایت از حقوق مردم در کل جامعه دارد. در میان این گزاره‌ها برخلاف علی دشتی هیچ گزاره‌ای مبنی بر اهانت به حقوق قومیت یا طرف‌داری از حکومت پهلوی یافت نمی‌شود. همچنین تعداد گزاره‌های اخگر در خصوص دفاع از حقوق مردم بوشهر، نسبت ۱۱ به ۴ گزاره‌های علی دشتی است.^۱

در مجموع نسبت تعداد دفعات حضور در مجلس به عنوان نماینده غیربومی بوشهر به تعداد نطق‌ها و نامه‌های تقدیم شده به مجلس، در مقایسه با علی دشتی، کارنامه قابل قبول تری را برای وی رقم زده است. اخگر در انضباط پارلمانی یکی از منظم‌ترین نمایندگان بود که همواره برقراری نظم در کیفیت نشست‌های مجلس را از وظایف نمایندگان در برابر ملت می‌دانست و بارها بر بی‌نظمی و مشخص نبودن ساعت برگزاری جلسات، بر اغلاط موجود در صورت جلسات مجلس اعتراض می‌کرد (دوره ۱۷، جلسه ۶، ۸ خرداد ۱۳۳۱) و رئیس مجلس را مسئول اصلی این بی‌نظمی می‌دانست و می‌گفت: «این‌ها سند است برای آتیه و این جار و جنجال‌ها مجلس موجب یأس و ناامیدی مردم بشود.» (دوره ۱۷، جلسه ۱۱، ۲۰ خرداد ۱۳۳۱) او به غیبت غیرموجه برخی نمایندگان و اعضای لاهه نیز اعتراض کرد و دلیل غیبت بدون اجازه ایشان را در جلسات جويا شد (دوره ۱۷ جلسه ۱۳، اتیر ۱۳۳۱). اخگر خود در تمامی جلسات مربوط به ادوار نمایندگی‌اش، تنها دو بار غیبت و یک بار تأخیر داشت که همگی با اجازه قبلی صورت گرفته بود.

۱. مجموع گزاره‌های استخراج شده از دو نماینده کاملاً اتفاقی و تصادفی ۳۷ گزاره برآورد شده است.

او در بهمن ۱۳۳۲، جمعیت تأمین آزادی انتخابات را تأسیس کرد و از طرف نهضت مقاومت ملی به‌عنوان یکی از سیزده نامزد این جمعیت معرفی شد، از وزارت کشور تقاضای برگزاری گردهمایی انتخاباتی کرد، ولی دستگیر شد و به زندان افتاد و پس از آزادی، تحت تعقیب ساواک قرار گرفت و شعله‌ فعالیت‌های سیاسی وی تقریباً از این زمان رو به خاموشی نهاد و تنها در انتخابات مجلس بیست و یکم از طرف جبهه ملی، به نمایندگی بوشهر معرفی شد، اما پس از مدتی این جبهه در اعتراض به فرمایشی بودن این انتخابات آن را تحریم کرد؛ بدین ترتیب وی از جریان‌های سیاسی به‌طور کلی کناره‌گیری کرد و به فعالیت‌های فرهنگی و ادبی روی آورد (اخگر، ۱۳۶۶: ۷/۱).

نتیجه‌گیری

با تغییر برخی قوانین در سایه دیکتاتوری پهلوی، اهرم قدرت حکومت بر حقوق مردم چیره شد و فضای خفقان‌آمیزی را بر مجلس حکم فرما کرد، به‌طوری که برخی نمایندگان محکوم به حبس و برخی نیز گرفتار دوگانگی در عملکرد پارلمانی شدند. درباره دو نماینده بوشهر علی‌رغم برخی اشتراکات در خاستگاه اجتماعی و بستر سیاسی به نظر می‌رسد فعالیت پارلمانی اخگر در حواشی کمتری به نسبت دشتی قرار گرفته است. تحلیل محتوای برخی اسناد، نطق‌ها و مذاکرات آن‌ها در جلسات مجلس، حاکی از آن است که علی‌رغم برخی وجوه مشابه در درصد توجه به حقوق مردم و فعالیت‌های این دو نماینده، سه نتیجه متفاوت نیز در عملکردشان نمایان است. نتیجه اول تفاوت نسبت تعداد نطق‌های دو نماینده به دفعات حضورشان در ادوار مختلف به‌عنوان نماینده بوشهر، نتیجه دوم، ۳۰ درصد از کدهای به‌دست آمده از گزاره‌های علی دشتی در راستای تحقق اهداف حکومت و ۵ درصد در بی‌توجهی به حقوق قومیت‌ها است، درحالی که هیچ گزاره‌ای در این دو گروه از کدها از اخگر ثبت نشده است. علاوه بر این انضباط پارلمانی دو نماینده کاملاً متفاوت است که بنابر این شواهد می‌توان آن‌ها را در دو مدل تیپ شخصیتی طراحی کرد: مدل اول نماینده‌ای است که به‌منظور حفظ جان و منافع خود در فضای خفقان‌آمیز سیاسی گرفتار نوعی تعارض و دوگانگی در اندیشه و عمل شده و نهایتاً به قدرت حکومت نزدیک می‌شود، مدل دوم نماینده‌ای است که سعی در حل منطقی‌تر این چالش دارد. نتیجه حاصل از چنین این شواهد و دلایل آن است که این دو مدل تیپ نماینده، یکی را در تیررس پیکان انتقادات محققان قرار داده است و دیگری را با چهره و کارنامه پارلمانی به‌دور از حاشیه معرفی می‌کند.

منابع

کتاب‌ها و مقالات

- اخگر، احمد (۱۳۶۶) زندگی من در طول هفتاد سال تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، بی‌جا: اخگر.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۹) ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، چاپ ۲، تهران: قومس.
- _____ (۱۳۹۲) تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، چاپ ۸، تهران: سمت.
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۷) علی دشتی و نقد ادبی، تهران: سخن.
- پهلوی، رضا (۱۳۵۴) سفرنامه خوزستان و مازندران رضاشاه، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- خواجه نوری، ابراهیم (۱۳۴۰) بازیگران عصر طلایی، تهران: کتاب‌های جیبی.
- دشتی، علی (۲۵۳۵) پنجاه و پنج، چاپ ۲، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۳۹) ایام محبس، بی‌جا: چاپ شرق.
- دفتر انتخابات وزارت کشور، سیری در ۲۴ دوره قانون‌گذاری مجلس شورای ملی و دولت‌های هم‌زمان آن، شماره ۶، تهران: وزارت کشور.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۸) جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، بی‌جا: سازمان انتشارات جاویدان.
- دی رافائل (۱۳۷۸) «حاکمیت قدرت و اقتدار»، ترجمه مالک حسینی، نامه فرهنگ، (۳۲)، ۱۱۵-۱۱۳.
- دینشاه ایرانی، سلیستر (۱۳۱۳) سخنوران دوران پهلوی، بمبئی: بی‌نا.
- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷) قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چاپ ۳، تهران: امیرکبیر.
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین (۱۳۷۰) فارس و جنگ بین‌الملل، جلد ۱، چاپ ۵، تهران: اقبال.
- روستایی، محسن (۱۳۸۰) «سرهنگ احمد اخگر: روزنامه‌نگار و شاعری مذهب‌گرا و سیاستمدار»، تاریخ معاصر ایران، (۲۰ و ۱۹)، ۲۱۸.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۷) تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲)، چاپ ۳، تهران: سمت.
- سلامی، غلامرضا (۱۳۸۴) اسنادی از انتخابات مجلس در دوره رضاشاه، تهران: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰) شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، جلد ۱، تهران: گفتار با همکاری علم.
- عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور) (۱۳۷۹) روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، جلد ۱۰، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، جلد ۱، چاپ ۳، تهران: اطلاعات.

۸۶ / ارزیابی عملکرد پارلمانی نمایندگان بوشهر در چالش میان حقوق مردم و قدرت ... / بحرینی و ...

غنی، سیروس (۱۳۷۷) یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، جلد ۴، چاپ ۲، تهران: زوار.
فرهنگ ناموران معاصر ایران (۱۳۸۱) جلد ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.

لاک، جان (۱۳۹۲) رساله‌ای درباره حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، چاپ ۴، تهران: نی مدرس و مجلس (نامه‌ها و اسناد) (۱۳۷۳) تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.

مدرسی، علی (۱۳۷۴) مرد روزگاران (مدرس شهید نابغه ملی ایران)، چاپ ۲، تهران: هزاران. مصاحب، غلامحسین (۱۳۲۴) دسیسه‌های شیخ علی دشتی، بی‌جا: بی‌نا.
مکی، حسین (۱۳۶۶ الف) تاریخ بیست ساله ایران، پس از سقوط دیکتاتوری پهلوی و تحولات متفقین به ایران، جلد ۸، چاپ ۲، تهران: علمی / ایران.

_____ (۱۳۶۶ ب) وقایع سی‌ام تیر ۱۳۳۱، تهران: ایران.

_____ (بی تا) سال‌های نهضت ملی، تهران: علمی.

نظری، منوچهر (۱۳۹۰) رجال پارلمانی ایران، از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران: فرهنگ معاصر. هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه) (۱۳۴۴) خاطرات و خطرات، نوشته‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: زوار.

همتی، ایرج (۱۳۸۳) رأی، رأی پهلوی است، تهران: مدرسه.

اسناد عرایض مجلس شورای ملی

حوت ۱۳۰۲، دوره ۵، کارتن ۵۲ / جزوه‌دان ۴۳/۱ / شماره پوشه ۱/۶.

حوت ۱۳۰۲، دوره ۵، کارتن ۵۲ / جزوه‌دان ۴۳/۱، شماره پوشه ۱/۵.

۳ مهر ۱۳۲۰، دوره ۱۲، کارتن ۴۷ / جزوه‌دان ۱۵/۲ / شماره پرونده ۸۲.

اسناد مجلس شورای ملی

۱۸ جوزا ۱۳۰۳، دوره ۵، کارتن ۵۲، جزوه‌دان ۴۳/۱ / شماره پرونده ۶/۱.

۱۳۰۳/۴/۲۳ ش، دوره ۵، کارتن ۷۳ / جزوه‌دان ۱۸ / شماره پرونده ۲.

۲۶ / ۱۳۰۳/۱۱ / دوره پنجم مجلس، کارتن ۷۹ / جزوه‌دان ۴۳/۳ / شماره پوشه ۲۲.

کارتن ۳۷۶ / جزوه‌دان (۰) / شماره پوشه ۷.

کارتن ۷۳ / جزوه‌دان ۱۹ / شماره پوشه ۲.

صورت مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی

دوره ۵، جلسه ۲۱۱، شنبه ۹ آبان ۱۳۰۴ (۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ ق)

دوره ۶، جلسه ۲۲، سه‌شنبه ۳ آبان ۱۳۰۵ (۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ ق)

دوره ۶، جلسه ۴، اسفند ۱۳۰۵

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۳، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۲ / ۸۷

- دوره ۸، جلسه ۹۷، سه‌شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۱۱ (۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۵۱)
- دوره ۹، جلسه ۶، چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۱۲
- دوره ۹، جلسه ۱۱، سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲
- دوره ۹، جلسه ۱۳، یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۲ (۱۹ محرم ۱۳۵۲)
- دوره ۱۲، جلسه ۱۱۵، سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۲۰
- دوره ۱۷، جلسه ۲۳، یکشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۲۰، یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۶، پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۱۱، سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۱۳، یکشنبه ۱ تیر ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۲۵، یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۲۶، سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۳۶، پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۳۱
- دوره ۱۷، جلسه ۴۹، یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۳۱

روزنامه‌ها

انگگر، سه‌شنبه ۲۴ دی ۱۳۳۰، ۱(۱۸)، ۲

شفق سرخ، شماره ۲۳۹، ۱۲ خرداد ۱۳۰۳، ۳ و ۲

Abrahamian, E. (1978). Factionalism in Iran: political groups in the 14th Parliament (1944–46). *Middle Eastern Studies*, 14(1), 22-55.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

List of sources with English handwriting

- Akhgar, Ahmad, My life during seventy years of contemporary Iranian history, Volume 1, not placed, Akhgar, 1366.
- Aqeli, Baqir, Biography of contemporary political and military men of Iran, volume one, Tehran, Goftar publication in collaboration with Elm publication, 2010.
- Azghandi, Alireza, Inefficiency of Iran's political elites between two revolutions, second edition, Tehran, Qoms Publishing, 1379.
- Azghandi, Seyyed Alireza, History of political and social developments in Iran (1357-1320), 8th edition, Tehran, Samt, 1392.
- Dashti, Ali, Days of imprisonment (not placed: Šarq Press, 1339.
- Dashti, fifty-five (Tehran: Amīrkabīr, 2535, second edition)
- Dictionary of contemporary Iranian poets, Vol. 1, Tehran, Islamic Propaganda Organization, Hozeh Honari, Islamic Revolution Literature Office, 2001.
- Dinshah Irani, Solister, Pahlavi era speakers, Bombay, Bina, 313A.
- Duverger, Maurice, Sociologie politique, translated by Abolfazl Ghazi, first edition, not placed, jāvidān Publishing Organization, 1358.
- Eīn ul-Saltāneh (Qahremān Mīrzā Salour), Kāterāt-e Eīn ul-Saltāneh, Vol. 10, by Masoud Salour and Iraj Afshar, Tehran, Asāfir, 1379.
- Election office of the Ministry of Interior, a survey of the 24 legislative sessions of the National Assembly and its contemporary governments, No. 6 (Tehran: Ministry of Interior.
- Fardoost, Hossein, The Rise and Fall of the Pahlavi Monarchy-Memoirs of the Former General Hossein Fardoost-, Volume 1, Third Edition, Tehran, Information Publications, 1370.
- Ghani, Siros, notes of Dr. Qasem Ghani, vol. 4, second edition, Tehran, Zovar Publications, 1377.
- Hedayat, Mehdiqili (Mok̄ber ul-Saltāneh), Memories and Dangers - An Essay on the History of Six Kings and a Corner of My Life - Tehran, Zavār Bookstore, 1344.
- Hemati, Iraj, the vote is a Pahlavi vote (Tehran: Madrese, 1383.
- Khajeh Nouri, Ibrahim, Actors of the Golden Age, Tehran: Ketābhāye jībī, 1340.
- Locke, John, A Treatise on Government, Introduction: Carpenter and Macpherson, translated by Hamid Azdanlou, 4th edition, Tehran, 2012.
- Makki, Hossein, 20-year history of Iran, volume 8-after the fall of the Pahlavi dictatorship and the imposition of the allies on Iran-, second edition, Tehran, Scientific Publications/Iran Publications, 1366.
- Makki, Hossein, Events of 30th July 1331, Tehran, Iran Publishing House, 1366.
- Makki, Hossein, The Years of the National Movement, First Edition, Tehran, Scientific Publications, Beta.
- Modares va Majles-Namehā and asnād-, first edition, Tehran, Institute for Research and Cultural Studies, Boniyād-e Mostāzafān va jānbāzān-e Enqelāb-e Islāmī, 1373.
- Modaresi, Ali, Mard-e Rozegārān- Modares, 2nd edition, Tehran, Hazaran, 1374.
- Mosaheb, Gholamhossein, the conspiracies of Sheikh Ali Dashti, not placed, 1324.
- Nazari, Manochegar, Iran's Parliamentary Men - From Constitutionalism to Islamic Revolution - Tehran, Farhang Mōāšer, 2018.
- Pahlavi, Reza, Reza Shah's Travels of Khuzestan and Mazandaran, Tehran, Pahlavi Era Political Culture Research and Publication Center, 1354.
- Parsinejad, Iraj, Ali Dashti and literary criticism, Tehran: Sokhon, 1387.
- Rahimi, Mostafa, Iran's Constitution and Principles of Democracy, 3rd edition, Tehran, Amīrkabīr Publishing House, 1357.
- Roknzadeh Adamiat, Mohammad Hossein, Persia and the International War, first volume, fifth edition, Tehran, Iqbal, 1370.

Salami, Gholamreza, Documents from the parliamentary elections during Reza Shah's era, first edition, Tehran, Publications of National Records Organization and Library of the Islamic Republic of Iran, 2014.
Zibakalam, Sadegh, Political and Social Developments of Iran-1320 to 1322-, third edition, Tehran, Samt, 1387.

Documents

Hoüt 1302, period 5, carton 52/ booklet 1/43/ folder number 1/6/.
9 Hoüt 1302, period 5, carton 52/booklet 1/43, folder number 1/5.
3 Mehr 1320, period 12, carton 47/folder 2/15/file number 82.
Documents of the National Assembly
18 Jozā 1303, period 5, carton 52, pamphlet Dan 1/43/file number 1/6.
4/23/1303, period 5, carton 73/booklet 18/file number 2.
26/11/1303/5th Session of Majlis, Carton 79/Pamphlet Dan 3/43/Folder No. 22.
Carton 376/folder (0)/folder number 7.
Carton 73/folder 19/folder number 2.
Annotated form of deliberations of the National Council
Period 5, session 211, Saturday, November 9, 1304/13 Rabi'al-Thani 1344 AH.
Period 6, session: 22, Tuesday, November 3, 1305/18 Rabi'al Thani, 1345.
Session 6, session 4 March 1305.
Term 8, session: 97 days, Tuesday, August 14, 1311 (21 Rabi'al -Awl, 1351
Period 9, session: 6 Wednesday Siam Farvardin 1312.
Course 9, Session: 11, Tuesday, May 19, 1312.
9th session, session: 13th day, Sunday 24th of May 1312 (19 Muharram 1352
Term 12, session 115, Tuesday, September 25, 1320.
Session 17, session: 23rd Sunday, August 12th 1331
Session 17, session: 20 days, Sunday, August 5, 1331
17th term, session: 6th day, Thursday, June 8, 1331.
17th term, meeting: 11 days, Tuesday, June 20, 1331
Session 17: 13, on Sunday, July 1, 1331.
Session 17, session: 25th day, Sunday, 19 Amridad, 1331
Session 17, session: 26, Tuesday, the 21st of Amridad, 1331
Session 17, Session: 36, Thursday, November 15th, 1331
Session 17, session: 49th assembly on Sunday, December 30, 1331

Newspaper

Akhgar newspaper, Tuesday, January 24, 1330, first year, number 18, page 2
Shafaq Sorkh newspaper, number 239, June 12, 1303, first and second pages)
Persian articles
D. D. Raphael, the article on the governance of power and authority, translated by Malek Hosseini, Farhang Quarterly, No. 32, 1378: pp. 113 to 115.
Rostaei, Mohsen, Ahmed Akhgar: Journalist and Poet, Religious and Politician, Iranian Contemporary History Quarterly, No. 19 and 20, 1380: p. 218.



**Evaluating the Parliamentary Performance of Bushehr MPs in the Tension
between the Rights of the People and the Power of the Pahlavi Government, a
Case Study: Ali Dashti and Ahmad Akhgar¹**

Forough Bahraini²
Simin Fasihi³

Received: 2022/11/21
Accepted: 2023/06/15

Abstract

Considering the characteristics of Pahlavi government, a kind of contradiction, conflict, and challenge is formed between the nature of sovereign power and people's rights in the constitution, in which the role and performance of deputies as mediators between the people and sovereign power in the National Assembly becomes essential. Using a comparative-analytical approach, this research assesses the performance of Ali Dashti and Ahmad Akhgar, who were elected representatives from the Bushehr constituency. The research focuses on the interaction between sovereign power and people's rights taking into account their social background and political positions. By analyzing their votes, negotiations, and speeches in the National Assembly, the research aims to understand the role played by these two representatives in addressing this challenge. The content analysis of some of their documents, speeches, and negotiations in the parliamentary sessions, despite some similarities in the percentage of attention given to the rights of the people and the activities of these two representatives, reveals three different results in their performance: 1. The difference in the ratio between the number of speeches and the number of their presence in the different eras as representatives of Bushehr, 2. A percentage of the proposals obtained from the speeches of Ali Dashti coincides with the achievement of the objectives of the government, while no speech is recorded by Akhgar in this regard, 3. The different parliamentary disciplines of the two representatives, ultimately eclipse these results. It presents the parliamentary record far from the margins and closer to the people, and shows a different record with a kind of duality in thought and action.

Keywords: sovereign power, people's rights, Ali Dashti, Ahmad Akhgar, National Council meetings.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.41095.2691

2. Ph.D. student of the Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. f.bahraini@alzahra.ac.ir

3. Associate Professor of the Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran (corresponding author). fasihi@alzahra.ac.ir